

خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و

ارسال رایگان

Medabook.com



مدابوک



یک جله تماس تلفنی رایگان

با مشاوران رتبه برتر

برای انتخاب بهترین منابع

دبیرستان و کنکور

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۲۱۰



ترجمه کلمه به کلمه و روان متن

مِنَ الْأَشْعَارِ الْمُنْسُوبَةِ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

از شعرهای منسوب به امام علی علیه السلام

الدَّاءُ وَالدَّوَاءُ (بیماری و دارو (شفا))

دَوَاؤُكَ	فِيكَ	وَ	مَا تُبْصِرُ	وَ	دَاؤُكَ	مِنْكَ	وَ	لَا تَشْعُرُ
داروی تو	در تو	و	نمی بینی	و	بیماری تو	از تو	و	احساس نمی کنی

داروی تو در وجود خودت است و نمی بینی و بیماری تو از خودت است و احساس نمی کنی.

أَ	تَزَعُمُ	أَنَّكَ	جِزْمُ	صَغِيرُ	وَ	فِيكَ	انْطَوَى	الْعَالَمُ	الْأَكْبَرُ
آیا	گمان می کنی	که تو	پیکر	کوچک	و	در تو	به هم پیچیده شد	جهان	بزرگ تر

آیا گمان می کنی که تو پیکر کوچکی هستی در حالی که جهان بزرگ تر در تو به هم پیچیده شده است.

النَّاسُ أَكْفَاءُ (مردم همتا هستند.)

النَّاسُ	مِنْ	جِهَةٍ	الْأَبَاءِ	أَكْفَاءُ	أَبُوهُمْ	آدَمَ	وَ	الْأُمِّ	حَوَاءَ
مردم	از	سمت	پدران	همتایان	پدرشان	آدم	و	مادر	حوا

مردم از سمت پدران (پدر و مادر) همتا هستند، پدرشان آدم و مادر [شان]، حواست.

وَ	قَدَرُ	كُلِّ	أَمْرِ	مَا كَانَ	يُخْسِنُهُ	وَ	لِلرِّجَالِ	عَلَى	الْأَفْعَالِ	أَسْمَاءُ
و	اندازه، ارزش	هر	انسان	چیزی بود	به خوبی انجام می دهد آن را	و	برای مردان	بر	کارها	نامها

و ارزش هر انسانی به چیزی است که آن را به خوبی انجام می دهد و مردان با کارها [یشان] نامهایی دارند.

فَقَرٌ ^(۱)	بِعِلْمٍ	وَ	لَا تَطْلُبُ	بِهِ	بَدَلًا	فَالنَّاسُ	مَوْتَى	وَ	أَهْلُ	الْعِلْمِ	أَحْيَاءُ
پس کسب کن	با علم	و	نخواه	با آن	جایگزین	پس مردم	مردگان	و	اهل	دانش	زندگان

پس دانش را کسب کن و جایگزینی برای آن نخواه پس مردم مرده هستند و اهل دانش زنده اند.

الْفَخْرُ بِالْعِفَافِ (افتخار به پاکدامنی)

أَيُّهَا	الْفَاخِرُ	جَهْلًا	بِالنَّسَبِ	إِنَّمَا	النَّاسُ	لِأُمِّ	وَ	لِأَبِ
ای	افتخار کننده	نادانی	به دودمان	فقط، تنها	مردم	برای مادر	و	برای پدر

ای که نابخردانه به دودمان افتخار می کنی مردم فقط از یک مادر و یک پدر هستند.

هَلْ	تَرَاهُمْ ^(۲)	خَلِقُوا	مِنْ	فِضَّةٍ	أُمِّ	حَدِيدٍ	أُمِّ	نَحَاسٍ	أُمِّ	ذَهَبٍ
آیا	می بینی ایشان را	آفریده شدند	از	نقره	یا	آهن	یا	مس	یا	طلا

آیا ایشان را می بینی که از نقره یا آهن یا مس یا طلا آفریده شده اند؟

بَلْ	تَرَاهُمْ	خَلِقُوا	مِنْ	طِينَةٍ	هَلْ	سِوَى	لَحْمٍ	وَ	عَظْمٍ	وَ	عَصَبٍ
بلکه	می بینی ایشان را	آفریده شدند	از	گل، سرشت	آیا	به جز	گوشت	و	استخوان	و	پی

بلکه آنان را می بینی که از گلی آفریده شدند آیا به جز گوشت و استخوان و پی هستند.

إِنَّمَا	الْفَخْرُ	لِعَقْلِ	ثَابِتٍ	وَ	حَيَاءٍ	وَ	عِفَافٍ	وَ	أَدَبٍ
فقط	افتخار	برای خرد	محکم، استوار	و	شرم	و	پاکدامنی	و	ادب

افتخار فقط به خردی استوار و شرم و پاکدامنی و ادب است.

۱. فعل «فَرَّ» با حرف جَرّ «بِ» به معنای «کسب کن، به دست آور» می باشد.

۲. تَرَى + هم = «تَرَاهُمْ»

واژگان

کُنْز: گنج	دَوَاء: دارو	أَكْفَاء: همتایان
كِرَّة المَنْضِدَة: تنیس روی میز	ذَهَب: طلا	إِنْطَلَوِي: به هم پیچیده شد (مضارع: يَنْطَلُوِي)
كَأَنَّ: گویی، مانند	ذُو: دارای	أَمْرِي: شخص، مرد، انسان
لَا تَسْبُوا: دشنام ندهید (ماضی: سَبَ)	الرَّيْب: شک	أَبْصَرَ: نگاه کرد (مضارع: يَبْصِرُ)
اللَّحْم: گوشت	زَعَمَ = گمان کرد (مضارع: يَزْعُمُ)	أَحْيَاء: زندگان
لَعَلَّ: شاید، امید است	السَّجْن: زندان	أَشَدَّ: سخت تر
لَكِنْ: ولی	سَوِي: جز	أَعْنَى: بی نیازتر
لَيْتَ: ای کاش	شِرَاء: خریدن	إِكْرَاه: اجبار
ماء: آب	الطَّيْن، الطَّيْنَة: گِل، سرشت	أَحَقَّ: سزاوارتر
مَائِلِي: آن چه می آید	الْعَصَاة: آبیوه گیری	الْبَدَل: جانشین
مُتَرَدِّد: مُرَدَّد، دودل	العافية: سلامت	بِضَاعَة: کالا
الْمُتَّقِينَ: پرهیزگاران	العِزَّة: ارجمندی	الْبَعْث: رستاخیز
مَر صَوْص: محکم	الْعَصَب: پی، عصب	بَيْع: فروختن
مَفْسِدَة: مایه تباهی	الْعَظْم: استخوان	تُرَاب: خاک
مَوْتِي: مردگان	فِضَّة: نقره	تَعْقِلُون: خردورزی می کنید
مَوْضَل: رسانا	فَضْل: بخشش	الْجُزْم: پیکر
مَيِّت: مرده	فَرِيق: تیم، گروه	جَهَال: نادانان
الْتَّحَاس: مس	فُزَّ: رستگار شو (ماضی: فَازَ، مضارع: يَفُوزُ)	الْخَدِيد: آهن
يَسْتَوِي: مساوی است (ماضی: إِسْتَوَى)	قَصِير: کوتاه	الْحَقْلَة: جشن
يَدْعُون: فرا می خوانند	قَوْل: گفتار	حَيَاء: شرم، حیا
يُسَارِعُون: شتاب می ورزند (ماضی: سَارَعَ)	قِيَمَة: ارزش، اندازه	خَيْط: نخ، ریسمن
	الْكَسَل: تنبلی	الْدَاء: بیماری

أَبْصَرَ = شاهد	زَعَمَ = ظَنَّ، حَسِبَ	شَعَرَ بِ = أَحَسَّ بِ	أَمْرِي = إِنْسَان	أَب = وَالِد
نگاه کرد	گمان کرد، پنداشت	احساس کرد	انسان، شخص، مرد	پدر
عافية = صِحَّة، سلامة	قَوْل = كَلَام	بَعَث = قِيَامَة	جُزْم = جِسْم	داء = مَرَض
سلامت	گفتار	رستاخیز، قیامت	پیکر	بیماری
أَفْلَحَ = فَازَ	كَتَمَ = سَتَرَ	خَصْلَة = مِيزَة	سَارَعَ = أَسْرَعَ، عَجَلَ	أَحْسَن = خَيْر، أَفْضَل
رستگار شد	پنهان کرد	ویژگی	شتاب کرد	بهتر، بهترین
			فَضْل = عَطَاء	خَاشِع = خَاضِع
			بخشش	فروتن

مترادف

آباء ≠ أمّهات پدران ≠ مادران	خاشع، خاضع ≠ متکبر فروتن ≠ خود بزرگ بین	رجال ≠ نساء مردان ≠ زنان	صغیر ≠ کبیر کوچک ≠ بزرگ	موتی ≠ أحياء مردگان ≠ زندگان
أب ≠ أم پدر ≠ مادر	جَهْل ≠ عِلْماء، عُقلاء نادانان ≠ دانایان	مَيِّت ≠ حَيّ مرده ≠ زنده	داء ≠ شِفَاء، صِحَّة بیماری ≠ سلامتی	فائز ≠ خاسر، راسب برنده ≠ بازنده، مردود
طویل ≠ قصیر بلند ≠ کوتاه	هنا ≠ هُناكَ این جا ≠ آن جا	شراء ≠ بَيع خریدن ≠ فروختن	مُشتري ≠ بائع مشتری، خریدار ≠ فروشنده	أجمل ≠ أقبح زیباتر ≠ زشت تر
إكراه ≠ إختيار اجبار ≠ اختیار	أبيض ≠ أسود سفید ≠ سیاه	مؤمن ≠ كافر مومن ≠ کافر	كذب ≠ صدق دروغ ≠ راست	ليل ≠ نهار شب ≠ روز
كتم، ستر ≠ أظهر پنهان کرد ≠ آشکار کرد	عِزَّة ≠ ذِلَّة سربلندی ≠ خواری			
آباء ← أب پدر	رجال ← رجل مرد	أفعال ← فعل کار	أسماء ← اسم نام	أشعار ← شعر شعر
موتی ← مَيِّت مرده	أحياء ← حيّ زنده	أجرام ← جرم پیکر	عظام ← عظم استخوان	لحوم ← لحم گوشت
جَهْل ← جاهل نادان	أعمال ← عمل کار، عمل، رفتار	مدائن، مُدن ← مَدِينَة شهر	بلاد ← بلد کشور، شهر	أحاديث ← حديث حدیث
أفواه ← فم دهان	قلوب ← قلب دل	غُيوب ← عَيب نهان	أقوال ← قول گفتار	مياه ← ماء آب
أكفاء ← كفء همتا				

متضاد

جمع
مکسر

حَوَّلِ النَّصَّ

□ عَيِّنِ الصَّحِيحَ وَ الْخَطَأَ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. (درست و غلط را بر اساس متن درس مشخص کن.) ✓ ✗

- ۱- دَوَّأُنَا فِينَا وَ نَحْنُ نَنْظُرُ إِلَيْهِ، وَ دَاوْنَا مَنَا وَ نَحْنُ نَشْعُرُ بِهِ. (داروی ما در وجود ماست و ما به آن نگاه می‌کنیم، و درد ما از ماست و ما آن را احساس می‌کنیم.) ✗
- ۲- أَلْفَخِرَ لِلْعَقْلِ وَ الْخِيَاءِ وَ الْعَفَافِ وَ الْأَدَبِ. (افتخار به خرد و شرم و پاکدامنی و ادب است.) ✓
- ۳- طَالِبُ الْعِلْمِ بَيْنَ الْجَهْلَالِ يُشَبِّهُ الْمَيِّتَ. (طلب کننده دانش در میان نادانان به مرده شبیه است.) ✗
- ۴- قِيَمَةُ كُلِّ امْرِئٍ بِأَعْمَالِهِ الْحَسَنَةِ. (ارزش هر انسانی به کارهای خویش است.) ✓
- ۵- أَلْتَفَاخَرَ بِالنَّسَبِ مَحْمُودًا. (افتخار کردن به دودمان ستایش شده است.) ✗

قواعد

اعلموا (بدانید)

معاني الحروف المشبهة بالفعل و لا النافية للجنس (معانی حروف مشبّهة بالفعل و لا نفی جنس)

به حروف «إِنَّ، أَنْ، كَأَنَّ، لَيْتَ، لَعَلَّ» حروف مشبّهة بالفعل گویند.

این حروف دارای معانی دقیق و بسیار پرکاربرد هستند.

نکته همه این حروف به جز «لَيْتَ» مشدد، یعنی دارای «ت» هستند و این راهی است که «أَنْ و إِنَّ» را با «أَنَّ» و «إِنَّ» اشتباه نگیرید، هم چنین «كَأَنَّ» را با «كَانَ» اشتباه نگیرید.

معانی حروف مشبّهة بالفعل

● **إِنَّ:** به معنای «قطعاً، همانا، به درستی که، بی گمان»؛ این حرف، جمله پس از خود را تأکید می کند و معمولاً در ابتدای عبارت می آید.

«... إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» التوبة: ۱۲۰ بی گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند.

«إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ» به درستی که خداوند پروردگار من و پروردگار شماست.

... لَكِنَّ ذَاكِرَةَ الْأَطْفَالِ غَرِيبَةٌ أَوْ قُلُوبٌ إِنَّ ذَاكِرَةَ الْإِنْسَانِ غَرِيبَةٌ... ولی حافظه کودکان عجیب است یا بگو (بهرتر است بگویم) بی شک حافظه انسان عجیب است.

● **أَنَّ:** به معنای «که» است؛ دو جمله را به هم پیوند می دهد و در وسط عبارت می آید.

«... قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» البقرة: ۲۵۹ گفت می دانم که خدا بر هر چیزی تواناست.

قَدْ سَمِعَ أَحْمَدُ أَنَّ صَدِيقَهُ مَرِيضٌ: احمد شنیده است که دوستش بیمار است.

يَعْلَمُ الْأَطْفَالُ أَنَّ الْكِتَابَ نَافِعٌ: کودکان می دانند که کتاب سودمند است.

● **كَأَنَّ:** به معنای «گویي» و «مانند» است.

«كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ» الرحمن: ۵۸ آنان مانند یاقوت و مرجان اند.

كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تَذُرُكَ: گویی خشنود ساختن همه مردم، هدفی است که به دست نمی آید.

كَانَ الْأَصْدِقَاءُ يَضْحَكُونَ كَأَنَّهُ لَمْ يَخْذُثْ شَيْءٌ: دوستان می خندیدند گویی چیزی رخ نداده است (هیچ اتفاقی نیفتاده است).

كَأَنَّ فَصْلَ هَجْرَةِ الطَّيُورِ قَدْ بَدَأَ: گویی فصل مهاجرت پرندگان آغاز شده است.

● **لَيْتَ:** به معنای «ولی» است و برای کامل کردن پیام و برطرف کردن ابهام جمله قبل از خودش است.

«إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَئِنْ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ» البقرة: ۲۴۳ بی گمان خدا دارای بخشش بر مردم است، ولی بیش تر مردم سپاسگزاری نمی کنند.

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئاً وَلَئِنْ النَّاسُ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ» قطعاً خدا هیچ (هیچ مقداری) به مردم ستم نمی کند ولی مردم خودشان به خویشان ستم می کنند.

● **لَيْتَ:** به معنای «کاش» است؛ بیانگر آرزوست و به صورت «یا لَيْتَ» هم به کار می رود.

«وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ ثَرِيلاً» التبا: ۴۰ و کافر می گوید: ای کاش من خاک بودم!

لَيْتَنِي صَنَعْتُ هَذَا الْبَيْتَ جَيِّداً: کاش این خانه را خوب ساخته بودم.

● **لَعَلَّ:** به معنای «شاید» و «امید است»، می باشد.

«إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» الزخرف: ۳ بی گمان ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم امید است شما خردورزی کنید.

إِجْتَهَدْتُ كَثِيرًا لَعَلَّ الْوَلَدَ يَفْرَحَانِ مِنْ نَجَاحِي: بسیار تلاش کردم، شاید که پدر و مادرم از پیروزی من خوشحال شوند.

تأثير حروف مشبّهة بالفعل بر اعراب مبتدا و خبر

حروف مشبّهة بالفعل بر سر جملات اسمیه می آیند و بر اعراب مبتدا و خبر تأثیر می گذارند.

اللَّهُ عَلِيمٌ ← إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ

مبتدا خبر و مرفوع اسم إِنَّ خبر إِنَّ

و مرفوع و منصوب و مرفوع

همان طور که در مثال بالا مشاهده کردید، مبتدا بعد از آمدن حروف مشبّهة بالفعل بر سر خود، منصوب می شود و خبر در حالت مرفوع بودن خود باقی می ماند.

نکته اسم حروف مشبّهة بالفعل می تواند، اسم ظاهر و یا ضمیر باشد.

لَيْتَ الْمُسْلِمِينَ يَتَّخِذُونَ / لَيْتَنِي كُنْتُ ثَرِيًّا.

اسم لیت / اسم لیت

نکته خبر حروف مشبّهة بالفعل (مانند خبر مبتدا) می تواند «مفرد، جمله و یا شبه جمله» باشد.

إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ. / لَيْتَ وَالِدِي يُرْجِعُ. / عَلِمْتُ أَنَّ النَّجَّاةَ فِي الصَّدَقِ.

خبر إنّ (مفرد) / خبر لیت (جمله) / خبر «أَنَّ» (شبه جمله)

تمرین

□ عَيِّنْ اسْمَ وَ خَبْرَ الْحُرُوفِ الْمَشْبُوهَةِ بِالْفِعْلِ: (اسم و خبر حروف مشبّهة بالفعل را مشخص کن.)

- ۱- إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ أَحَدًا أَبَدًا.
- ۲- لَكِنَّ نَفْسَكَ مِنْ حَيَاتِكَ أَثْمَنُ.
- ۳- إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ.
- ۴- لَيْتَ الطَّلَّابَ يَنْجَحُونَ فِي الْمُبَارَاةِ.

پاسخ

- ۱- الله: اسم «إِنَّ» / لا يَظْلِمُ: خبر «إِنَّ»
- ۲- نفس: اسم «لَكِنَّ» / أَثْمَنُ: خبر «لَكِنَّ»
- ۳- النفس: اسم «إِنَّ» / لَأَمَّارَةٌ: خبر «إِنَّ»
- ۴- الطَّلَّابُ: اسم «لَيْتَ» / يَنْجَحُونَ: خبر «لَيْتَ»

نکات

- ۱) ضمایر می توانند به تمام حروف مشبّهة بالفعل، متصل شوند. مانند: إِنَّنِي، أَنَّنِي، كَأَنَّهُ، لَكِنَّا، لَيْتَنِي، لَعَلَّكُمْ و ...
- ۲) گاهی حرف «ما» به حروف «إِنَّ» و «أَنَّ» می چسبد، در این صورت این حروف دیگر به صورت «بی شک، ...» و «که» ترجمه نمی شوند، بلکه معنای «فقط» می دهند و در اعراب جمله اسمیه تغییری ایجاد نمی کنند.
- إِنَّمَا الطَّالِبُ الْمُجِدُّ نَاجِحٌ. فقط دانش آموز پرتلاش موفق است. (الطَّالِبُ: مبتدا / نَاجِحٌ: خبر)
- ۳) نون وقایه به این حروف متصل می شود. مانند: إِنَّنِي، وَلَكِنَّنِي، لَيْتَنِي و ...

تمرین

□ تَرْجِمِ الْحُرُوفَ الْمَشْبُوهَةَ بِالْفِعْلِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ. (حروف مشبّهة بالفعل را در عبارت های زیر ترجمه کن.)

- ۱- لَعَلَّه يَكُونُ قَدْ اشْتَرَى الْكِتَابَ.
- ۲- لَيْتَهُمْ يَكُونُونَ قَدْ عِلَمُوا.
- ۳- لَاحَظْتُ فَاطِمَةَ أَنَّ الطَّلَّابَ يُطَالَعُونَ.
- ۴- ظَنَّ الطَّلَّابُ أَنَّ الْأُسْتَاذَ لَا يَأْتِي.
- ۵- إِنَّ وَالِدِي رَأَى مَكَانَ السِّيَاحِ وَالْمَزْرَعَةَ بَيُوتًا وَشَوَارِعَ.
- ۶- أَنْتَ لَا تَحِبُّهُ كَأَنَّكَ تَكْرَهُهُ.
- ۷- لَيْتَ كُلَّ طَالِبٍ مُجِدٍّ يُقْبَلُ فِي الْجَامِعَةِ.
- ۸- لَعَلَّ الْقَاضِي يُبَيِّنُ الْحَقِيقَةَ.

پاسخ

- ۱- شاید (امید است)
- ۲- کاش
- ۳- که
- ۴- که
- ۵- همانا
- ۶- گویی
- ۷- کاش
- ۸- امید است

إِخْتِيارُ نَفْسِكَ (۱) (خودت را بیازمائی.)

تَرْجِمِ هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْكَرِيمَتَيْنِ. (این دو آیه کریمه را ترجمه کن.)

۱- «فَهَذَا يَوْمُ الْبُعْثِ وَ لِكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» الزُّوم: ۵۶

پس این، روز رستاخیز است ولی شما نمی دانستید.

۲- «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوفٌ» الْصَّف: ۴

قطعا خدا کسانی را که صف بسته در راه او پیکار می کنند دوست می دارد، گویی آن ها ساختمانی استوار هستند.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۲) (خودت را بیازمائی)

عَيْنِ اسْمِ الْحُرُوفِ الْمُشَبَّهَةِ وَ خَبَرَهَا: ثُمَّ اذْكُرْ اِعْرَابَهُمَا. (اسم حروف مشبَّهه و خبر آن‌ها را مشخص کن، سپس اعراب آن‌ها را ذکر کن.)
۱- لَيْتَ فَضْلَ الرَّبِيعِ طَوِيلٌ فِي بَلَدِنَا! لِأَنَّ الرَّبِيعَ قَصِيرٌ هُنَا.

فَضْلٌ: اسم «لَيْتَ» و منصوب / طَوِيلٌ: خبر «لَيْتَ» و مرفوع / الرَّبِيعُ: اسم «أَنَّ» و منصوب / قَصِيرٌ: خبر «أَنَّ» و مرفوع
ای کاش فصل بهار در کشور ما طولانی باشد! زیرا این‌جا بهار کوتاه است.

۲- كَأَنَّ الْمُشْتَرِيَ مُتَرَدِّدٌ فِي شِرَاءِ الْبِضَاعَةِ؛ وَلَكِنَّ الْبَائِعَ عَازِمٌ عَلَى بَيْعِهَا.

الْمُشْتَرِيَ: اسم «كَأَنَّ» و منصوب / مُتَرَدِّدٌ: خبر «كَأَنَّ» و مرفوع / الْبَائِعُ: اسم «لَكِنَّ» و منصوب / عَازِمٌ: خبر «لَكِنَّ» و مرفوع
گویی خریدار در خریدن کالا دودل است ولی فروشنده تصمیم به فروشش دارد. (بر فروشش مصمم است).

۳- ابْحَثْ عَنْ مَعْنَى «الْعَصَاةِ» فِي الْمَعْجَمِ: لَعَلَّ الْكَلِمَةَ مَكْتُوبَةٌ فِيهِ.

الْكَلِمَةُ: اسم «لَعَلَّ» و منصوب / مَكْتُوبَةٌ: خبر «لَعَلَّ» و مرفوع

در لغت نامه به دنبال معنی «العصاة» (آمیوه‌گیری) بگرد؛ شاید کلمه در آن نوشته شده باشد.

«لا» التَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ

- جواب: به معنای «نه، خیر» ← در پاسخ به «هَلْ» و «أَمْ» می‌آید. أَأَنْتَ مِنْ بُحُنُورٍ؟ لا، أَنَا مِنْ بَيْرْجَنْد.
- نفی فعل مضارع: بر سر فعل‌های مضارع می‌آید. لا يَذْهَبُ: نمی‌رود، لا تَأْكُلُ: نمی‌خوری، نمی‌خورد
- نهی فعل مضارع: بر سر فعل‌های مضارع می‌آید. لا تَذْهَبُ: نرو، لا يَذْهَبُ: نباید برود
- نفی جنس: بر سر اسم می‌آید. لا عِلْمَ لَنَا: هیچ علمی نداریم (برای ما نیست).

انواع «لا»

نکته «لا»ی نهی بر سر فعل مضارع اوّل شخص مفرد و جمع (متکلم وحده و متکلم مع الغير) و سوم شخص مفرد و جمع (مفرد، مثنی و جمع مذکر و مؤنث غائب)؛ معنای «نبايد» می‌دهد.

مثال لا يَذْهَبُ: نبايد برود، لا تَذْهَبُ: نبايد برويم، لا يَذْهَبُ عَارِفٌ: عارف نبايد برود.

- در این درس با «لا»ی نفی جنس آشنا می‌شویم. این «لا» فقط بر سر اسم می‌آید. تفاوت آن با «لا»ی نفی و نهی نیز همین است، زیرا آن‌ها بر سر فعل می‌آیند. اسم بعد از «لا»ی نفی جنس به هیچ‌وجه «أَل» و تنوین (ـٌ) نمی‌گیرد و مبنی بر فتح است.
«لا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا» الْبَقَرَةُ: ۳۲
جز آن‌چه به ما آموخته‌ای، هیچ دانشی نداریم.
«لا فَقْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
هیچ فقری سخت‌تر از نادانی نیست.
«لا كُنْزَ أَغْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
هیچ گنجی بی‌نیازکننده‌تر از قناعت نیست.

پرسش

- ۱- اسم بعد از این «لا» چه حرکتی دارد؟ اسم پس از لای نفی جنس حرکت فتحه دارد و همیشه مبنی بر فتح است.
- ۲- آیا اسم پس از «لا» دارای «ال» است؟ خیر، اسم پس از «لا» هیچ‌گاه «ال» نمی‌گیرد.
- ۳- آیا می‌توانیم بگوییم اسم پس از لای نفی جنس «بدون ال» و «تنوین» و «مفتوح» است؟ بله، اسم پس از «لا»ی نفی جنس معمولاً بدون ال و دارای فتحه است.

نکته خبر «لا»ی نفی جنس در صورتی‌که اسم ظاهر (آشکار) باشد، به شکل مرفوع باقی‌می‌ماند.

الْعَفْوُ عِنْدَ الْقَدَرَةِ حَسَنٌ. / لا شَيْءَ أَحْسَنُ مِنَ الْعَفْوِ عِنْدَ الْقَدَرَةِ.
مبتدا خبر اسم لا، نكرة و مفتوح خبر «لا» و مرفوع

نکته خبر «لا»ی نفی جنس اغلب به‌صورت «جَارٌ و مجرور» می‌آید؛

لا رَجُلَ فِي الْحَفْلَةِ. لا ماءَ فِي الْبَيْتِ. لا خَائِنَ فِي فَرِيقِنَا. لا شَكَّ فِيهِ.

نکته گاهی خبر «لا»ی نفی جنس حذف می‌شود.

لا إِلَهَ [مَوْجُودٌ] إِلَّا اللَّهُ. لا شَكَّ [فِيهِ]، لا بَأْسَ [مَوْجُودٌ]

تمرین

□ عَيْن نوع «لا» في العبارات التالية: (نوع «لا» را در عبارات زیر مشخص کن.)

- ۱- لا رَجُلٌ في الدَّارِ و عَلَيَّ إِلَّا أَذْخُلُ هُنَا!
- ۲- أَيُّهَا الزَّمَلَاءُ، لَا تَأْكُلُوا الشَّيْءَ حَازِئًا.
- ۳- لَا حُسْنَ لِلْحَدِيقَةِ في فصل سقوط الأوراق.
- ۴- لَا أَعْلَمُ لماذا أَصِبتُ بالصداع هَذَا اليوم!

پاسخ

- ۱- لا: نفی جنس، آلا (أَنْ + لا): نهی (نباید داخل شوم)
- ۲- لا: نهی
- ۳- لا: نفی جنس
- ۴- لا: نفی

فن ترجمه

طریقه ترجمه کردن جملات دارای «لَعْلَ» و «لَيْتَ»

① هرگاه پس از «لَيْتَ» و «لَعْلَ» در جمله، فعل مضارع آمده باشد، فعل مضارع به صورت «مضارع التزامی» ترجمه می شود.
لَعْلَ حمیداً یُسَافِرُ! شاید حمید سفر کند!

لَيْتَ صَدِيقِي یَنْجَحَ في المسابقة! کاش دوستم در مسابقه پیروز شود!

لَيْتَنِي أَشَاهِدَ جَمِیعَ مَدَنِ بلادی! کاش من همه شهرهای کشورم را ببینم!

② هرگاه پس از «لَيْتَ» در جمله، فعل ماضی آمده باشد، فعل ماضی را با توجه به جایگاهش در متن، می توان به صورت «ماضی استمراری» و «ماضی بعید» ترجمه کرد، ولی برای تسهیل تکلیف دانش آموز در ترجمه این گونه جملات، ترجمه به صورت «ماضی استمراری» مطلوب است.
لَيْتَ نَاصِرًا یَتَعَدَّ عَنِ الْكَسَلِ! کاش ناصر از تنبلی، دوری می کرد، (دوری کرده بود).

تمرین

□ تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ حَسَبَ «لَيْتَ» و «لَعْلَ»: (عبارات های زیر را بر اساس «لَيْتَ» و «لَعْلَ» ترجمه کن.)

- ۱- لَيْتَ الطَّلَابُ يَذْرُسُونَ جَيِّدًا لَتَقْدَمَ الْبِلَاد.
- ۲- لَعْلَنَّا نَسْتَمِعُ إِلَى نَصَائِحِ جَدَّنَا حَوْلَ مُوَاجَهَةِ الْمَشَاكِلِ.
- ۳- لَيْتَنِي عَمِلْتُ بِاشْتِيَاقٍ في السَّنَوَاتِ الْإِبْتَدَائِيَّةِ.
- ۴- لَعْلَ الْعُلَمَاءُ يَعْمَلُونَ بِمَا يَكْتُبُونَ في كُتُبِهِمْ.

پاسخ

- ۱- کاش دانشجویان برای پیشرفت کشور خوب درس بخوانند.
- ۲- امید است (شاید) ما پندهای پدربزرگمان را درباره روبرو شدن با مشکلات بشنویم.
- ۳- ای کاش من با اشتیاق در سال های ابتدایی کار می کردم.
- ۴- امید است (شاید) دانشمندان به آن چه در کتاب هایشان می نویسند عمل کنند.

طریقه ترجمه کردن جملات دارای «لا» ک نفی جنس

● در جملاتی که «لا» ی نفی جنس وجود دارد از «هیچ ... نیست» استفاده می کنیم.
به ترجمه عبارت های زیر دقت کنید:

لا قَوْلَ كَالصَّدَاقَةِ: هیچ سخنی مانند راستگویی نیست.

لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ: هیچ معبودی جز خدا نیست.

لا سَيْفَ إِلَّا ذَوَالْفَقَارِ: هیچ شمشیری جز ذوالفقار نیست.

❁ نکته هرگاه در عبارتی که «لا» ی نفی جنس هست، فعل به کار رفته باشد در ترجمه، فعل به صورت منفی ترجمه می شود.
لا نَاجِحٌ يَتَكَاسَلُ في الْحَيَاةِ: هیچ موفقی در زندگی تنبلی نمی کند.

تمرین

□ تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ حَسَبَ «لا». (عبارات ها را بر اساس «لا» ترجمه کن.)

- ۱- لا كِتَابَ في الْبَيْتِ.
- ۲- لا رِيْبَ فِيهِ.
- ۳- لا تَجْعَلْنِي مع الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ.
- ۱- هیچ کتابی در خانه نیست.
- ۲- هیچ شکی در آن نیست.
- ۳- مرا با گروه کافران قرار نده.

پاسخ

تمارين كتاب درسى

التَّحْرِينُ الْأَوَّلُ:

ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ مِنْ مُعْجَمِ الدَّرْسِ. (در جای خالی کلمه‌ای مناسب برای توضیحات زیر از لغت‌نامه درس قرار بده).

النَّحَاسُ (مس)

۱- أَلْ..... عَنْصَرٌ فِلْزَيِّ كَالْحَدِيدِ مُوَصَّلٌ لِلْخَرَارَةِ وَالْكَهْرَبَاءِ.

مس عنصری فلزی مانند آهن است که رسانای گرما و برق است.

الْعَصَبُ (عصب، پی)

۲- أَلْ..... خَيْطٌ أَبْيَضٌ فِي الْجِسْمِ يَجْرِي فِيهِ الْجِشُّ.

عصب رشته‌ای سفید در بدن است که در آن حس جریان دارد.

اللَّحْمُ (گوشت)

۳- أَلْ..... قِسْمٌ مِنَ الْجِسْمِ بَيْنَ الْجِلْدِ وَالْعَظْمِ.

گوشت قسمتی از بدن میان پوست و استخوان است.

الطِّينُ (گل، سرشت)

۴- أَلْ..... تُرَابٌ مُخْتَلِطٌ بِالْمَاءِ.

گل خاکی آمیخته با آب است.

التَّحْرِينُ الثَّانِي:

اِسْتَخْرِجْ مِمَّا يَلِي الْمَطْلُوبَ مِنْكَ. (خواسته شده از تو را از آنچه می‌آید، استخراج کن).

دَوَاؤُكَ فَيْكَ وَ مَا تُبْصِرُ وَ دَاؤُكَ مِنْكَ وَ لَا تَشْعُرُ

۱- اَلْمُبْتَدَأُ وَ اِغْرَابُهُ: دَوَاؤُ، دَاؤُ - مرفوع

أَ تَرْعَمُ أَنَّكَ جِزْمٌ صَغِيرٌ وَ فَيْكَ انْظَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ

۲- اِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ مَحَلُّهُ الْإِغْرَابِيُّ: الْأَكْبَرُ - صفت و مرفوع

النَّاسُ مِنْ جِهَةِ الْأَبَاءِ أَكْفَاءُ أَبَوْهُمْ آدَمُ وَ الْأُمُّ حَوَاءُ

۳- اَلْخَبَرُ وَ اِغْرَابُهُ: أَكْفَاءُ، آدَمُ وَ حَوَاءُ - مرفوع

وَ قَدَرُ كُلِّ امْرِئٍ، مَا كَانَ يُخْبِسُهُ وَ لِلرِّجَالِ عَلَى الْأَفْعَالِ أَسْمَاءُ

۴- اَلْجَمْعُ الْمُكَسَّرُ: الرِّجَالُ، الْأَفْعَالُ، أَسْمَاءُ

فَقَرُّ بَعْلِمٍ وَ لَا تَطْلُبُ بِهِ بَدَلًا فَالْنَّاسُ مَوْتَى وَ أَهْلُ الْعِلْمِ أَحْيَاءُ

۵- فِعْلُ النَّهْيِ: لَا تَطْلُبُ

أَيُّهَا الْفَاخِرُ جَهْلًا بِالنِّسْبِ إِنَّمَا النَّاسُ لِأُمٍّ وَ لِأَبٍ

۶- اِسْمُ الْفَاعِلِ: الْفَاخِرُ

هَلْ تَرَاهُمْ خَلَقُوا مِنْ فَضَّةٍ أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ

۷- اَلْفِعْلُ الْمَجْهُولُ: خَلَقُوا

بَلْ تَرَاهُمْ خَلَقُوا مِنْ طِينَةٍ هَلْ بَسَوَى لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ

۸- اَلْفِعْلُ الْمُضَارِعُ: تَرَى

إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ وَ خِيَاءٍ وَ عَفَافٍ وَ أَدَبٍ

۹- اَلْجَارُ وَ الْمَجْرُوزُ: لِعَقْلِ

التَّحْرِينُ الثَّالِثُ:

اِسْمًا اَلْفَرَاغَ فِي تَرْجَمَةِ مَا يَلِي، ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ «لَا» فِيهِ. (جای خالی را در ترجمه آن چه می‌آید پر کن، سپس نوع «لا» را در آن مشخص کن).

دشنام ندهید - لا: نهی

۱- «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ...» الْأَنْعَامُ: ۱۰۸

و کسانی را که غیر خدا را فرا می‌خوانند که به خدا دشنام دهند ...

● **الْتَّمَرِئْنِ السَّادِسِ:** عَيَّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ، وَ اسْمَ الْمُبَالَغَةِ وَ اسْمَ الْمَكَانِ وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ فِي هَذِهِ الْعِبَارَاتِ؛ ثُمَّ عَيَّنِ تَرْجَمَةَ الْكَلِمَاتِ الْحَمْرَاءِ.

(اسم فاعل و اسم مفعول و اسم مبالغه و اسم مكان و اسم تفضیل را در این عبارتها مشخص کن؛ سپس ترجمه کلمات قرمز را مشخص کن.)

۱- «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى» [الإشراء: ۱]

حرکت داد شبانه

(پاک است آن [خدایی] که بنده‌اش را شبانه از مسجد الحرام تا مسجد الاقصی حرکت داد.)

۲- «وَ جَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ...» [النحل: ۱۲۵]

بحث کن گم شده

(و با آنان با [شیوه‌ای] که نکوتر است بحث کن. قطعاً پروردگارت به [حال] کسی که از راهش گم شده، داناتر است.)

۳- «... يَقُولُونَ بِأَفْوَهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ» [آل عمران: ۱۶۷]

دهان‌ها پنهان می‌کنند

(با دهان‌هایشان (زبان‌هایشان) چیزی را می‌گویند که در دل‌هایشان نیست و خدا به آن‌چه پنهان می‌کنند داناتر است.)

۴- «وَ مَا أُتِرْتُ نَفْسِي إِلَّا النَّفْسَ لَأَمَّارَةً بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي...» [یوسف: ۵۳]

بی‌گناه نمی‌شمارم بسیار دستوردهنده

(و نفسم را بی‌گناه نمی‌شمارم؛ زیرا نفس، بسیار دستوردهنده به بدی است؛ مگر این‌که پروردگارم رحم کند.)

۵- «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» [المؤمنون: ۱ و ۲]

رستگار شده‌اند فروتنان

(به راستی که مؤمنان رستگار شده‌اند، همانان که در نمازشان فروتن‌اند.)

۶- «... قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ» [المائدة: ۱۰۹]

بسیار دانا

(گفتند: هیچ دانشی نداریم؛ قطعاً تو بسیار دانای نهایان هستی.)

۷- «... وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» [البقرة: ۱۹۵]

نیکی کنید

(و نیکی کنید؛ زیرا خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.)

۸- «وَ جَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا...» [الأنبياء: ۳۲]

قرار دادیم

(و آسمان را سقفی نگه داشته شده قرار دادیم.)

سؤالات امتحانی درس

مهارت واژه‌شناسی

الف) تَرْجِمِ مَا تَحْتَهُ خُطٌّ: (آن‌چه زیرش خط است را ترجمه کن.)

- ۱- النَّاسُ مِنْ جِهَةِ الْأَبَاءِ أَكْفَاءُ.
- ۲- قِيمَةٌ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ.
- ۳- دَاوُلُكَ مِنْكَ وَ لَا تَشْعُرْ بِهِ.
- ۴- أَتَزَعَمُ أَنَّكَ جَزْمٌ صَغِيرٌ.
- ۵- فَيْكَ أَنْطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ.
- ۶- قُزْ يَعْلَمُ وَ لَا تَطْلُبُ بِهِ بَدَلًا.
- ۷- أَمْ حَدِيدٌ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٌ.
- ۸- تَرَاهُمْ خَلِقُوا مِنْ طِينَةٍ.
- ۹- هَلْ سَوَى لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ.
- ۱۰- فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ.
- ۱۱- كَانَهُمْ بَنِيَانٌ مَرْصُوصٌ.
- ۱۲- إِحْتِ عَنْ مَعْنَى «الْعَصَارَةِ».
- ۱۳- هَذَا عَنَصْرٌ مَوْضَلٌ لِلْحَرَارَةِ وَ الْكَهْرِبَاءِ.
- ۱۴- لَا رِبَّ فِيهِ.
- ۱۵- لَا شَيْءَ أَحَقُّ بِالسَّجْنِ مِنَ اللِّسَانِ.
- ۱۶- الْعَصَبُ خِيطٌ أَبْيَضٌ فِي الْجَسْمِ.
- ۱۷- هُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ.
- ۱۸- لَا تَغْضَبُوا، الْعَصَبُ مَفْسِدَةٌ.
- ۱۹- إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ.
- ۲۰- «وَ جَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا»

ب عَيْنِ الْمُتَرَادِفِ وَ الْمُتَضَادِّ لِلْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ فِي الْجَدُولِ: (مترادف و متضاد کلمات زیر را در جدول مشخص کن.)

۲۱-

سَتَرَ - أَب - نِسَاء - ظَنَّ - أَحْيَاء - الدَّوَاء - الصَّحَّة - خَاسِر - خَيْر - فَارَز

الشفاء = والد = أموات ≠ كَتَمَ = أَفْلَحَ =
فائز ≠ زَعَمَ = رجال ≠ أَحْسَنَ =

ج أَكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ: (مفرد یا جمع کلمات زیر را بنویس.)

۲۲-

موتى مفرد عظم جمع موتى مفرد
أعصاب مفرد جاهل جمع أعصاب مفرد
حي جمع أب جمع حي جمع

د عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ: (کلمه ناهماهنگ در هر مجموعه را مشخص کن.)

۲۳- نحاس ☐ دَهَب ☐ حَدِيد ☐ حَدَاد ☐
۲۴- جِزْم ☐ إِنْثَم ☐ جِسْم ☐ بَدَن ☐
۲۵- داء ☐ مَرَض ☐ أَلَم ☐ وَدَّ ☐
۲۶- أَحْسَن ☐ أَفْضَل ☐ خَيْر ☐ أَكْبَر ☐

مهارت ترجمه به فارسی

ه تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ: (عبارت‌های زیر را به فارسی ترجمه کن.)

- ۲۷- قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ بِعُنَى قَدْرِهِ بِأَعْمَالِهِ الْحَسَنَةِ الَّتِي يَفْعَلُهَا.
۲۸- دَوَاؤُكَ فَيْكَ وَ مَا تُبْصِرُ / وَ دَاوُوكَ مِنْكَ وَ لَا تُشْعُرُ
۲۹- لَيْتَنِي أَشَاهِدُ جَمِيعَ مَدُنِ بِلَادِي إِيرَانَ.
۳۰- قُرْ بِعِلْمٍ وَ لَا تَطْلُبْ بِهِ بَدَلًا / فَالْتَأَسْ مَوْتِي وَ أَهْلُ الْعِلْمِ أَحْيَاءُ
۳۱- قَدَّرَ كُلُّ امْرِئٍ مَا كَانَ يُحْسِنُهُ / وَ لِلرِّجَالِ عَلَى الْأَفْعَالِ أَسْمَاءُ
۳۲- لَعَلَّ وَالِدِي يُسَافِرُ لِمَهْمَةٍ إِدَارِيَّةٍ إِلَى مَحَافِظَةِ إِصْفَهَانَ بَعْدَ ثَلَاثَةِ شَهْرٍ.
۳۳- إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ / وَ حَيَاءٍ وَ عِفَافٍ وَ أَدَبٍ
۳۴- لَيْتَ فَضْلَ الرَّبِيعِ طَوِيلٌ فِي بِلَدِنَا لِأَنَّ الرَّبِيعَ قَصِيرٌ هُنَا.
۳۵- يُسْتَعْمَلُ فِي الصَّنَاعَةِ فِلْزٌ مُوَضَّلٌ لِلْحَرَارَةِ وَ الْكَهْرَبَاءِ.
۳۶- لَا يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ.
۳۷- «إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ»
۳۸- أَبُو النَّاسِ آدَمُ وَ أُمَّهُمْ حَوَاءُ وَ هُمُ مِنْ جِهَةِ الْأَبَاءِ أَكْفَاءُ.
۳۹- لَا شَيْءَ أَحْسَنَ مِنَ الْعَفْوِ عِنْدَ الْقُدْرَةِ.
۴۰- لَيْتَ مَهْدِيًّا يَفُوزَ فِي مَسَابَقَةِ كُرَةِ الْمَنْضَدَةِ.
۴۱- «قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

و عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ: (درست را در ترجمه مشخص کن.)

۵۶- «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ ﷺ لَا يَخْزُنُكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ ...»

۱) ای پیامبر ﷺ کسانی که در کفر می‌شتابند تو را غمگین می‌کنند. ☐

۲) ای پیامبر ﷺ کسانی که در کفر شتاب می‌ورزند تو را نباید غمگین کنند. ☐

۵۷- كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ، فَإِنَّمَا هُوَ دَاءٌ وَ لَا بَرَكَةٌ فِيهِ.

۱) هر خوراکی که نام خدا بر آن یاد نشود، فقط بیماری است و هیچ برکتی در آن نیست. ☐

۲) هر غذایی که نام خداوند بر آن برده نمی‌شود یک بیماری است و نه برکتی در آن هست. ☐

۵۸- «وَقَوْلُ الْكَافِرِ يَالَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا»

(۱) و کافر می‌گوید ای کاش من خاک بودم. ☐

(۲) و کافر می‌گوید شاید من خاک بوده‌ام. ☐

۵۹- «ذلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»

(۱) این کتاب که شکی در آن وجود ندارد هدایت برای پرهیزگاران است. ☐

(۲) آن کتاب هیچ شکی در آن نیست هدایتی برای پرهیزگاران است. ☐

ز **إِمْلَأُ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ:** (جاهای خالی در ترجمه را پر کن.)

۶۰- «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»

..... اجباری در دین

۶۱- «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوعٌ»

..... خدا کسانی را که در راه او پیکار می‌کنند ساختمان‌ی هستند.

۶۲- «فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»

پس این روز است ولی شما

۶۳- «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى»

..... آن [خدایی] که بنده‌اش را از مسجد الحرام تا مسجد الاقصی

ح **عَيِّنِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ لِلْفَرَاقَاتِ:** (ترجمه درست را برای جاهای خالی مشخص کن.)

۶۴- «وَمَا أَزَيَّ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسَّوْءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي»

و نفسم را (گناهکار می‌شمارم ☐ بی‌گناه نمی‌شمارم ☐؛ زیرا (همانا) نفس، (دستور می‌دهد ☐ بسیار دستوردهنده ☐) به بدی است، مگر این‌که پروردگارم رحم کند.

۶۵- «... قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ»

... گفتند: (همه دانش‌ها را داریم ☐ هیچ دانشی نداریم ☐؛ (قطعاً تو ☐ زیرا (همانا) تو ☐) بسیار دانای نهان‌ها هستی.

۶۶- «وَجَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ»

و با آنان با [شیوه‌ای] که (خوب ☐ نکوتر ☐) است بحث کن. قطعاً پروردگارت به [حال] کسی که از راهش گم شده (داناتر ☐ آگاه ☐) است.

مهارت شناخت و کاربرد قواعد

ط **تَرَجِمِ الْأَفْعَالَ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ حَسَبَ الْحُرُوفِ الْمَشَبَّهَةِ بِالْفِعْلِ:** (فعل‌ها را در عبارات‌های زیر براساس حروف مشبّهه بالفعل ترجمه کن.)

۶۷- لَيْتَ أُخْتِي تَنْجَحَ فِي الْمُبَارَاةِ. ۶۹- «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»

۶۸- لَعَلَّ فَرِيقَنَا يَلْعَبُ جَيِّدًا الْيَوْمَ. ۷۰- لَيْتَكُمْ يَتَعَدَّثُونَ عَنِ الْكُسْلِ فِي الْحَيَاةِ.

ی **عَيِّنِ اسْمَ وَ خَبَرَ الْحُرُوفِ الْمَشَبَّهَةِ بِالْفِعْلِ:** (اسم و خبر حروف مشبّهه بالفعل را مشخص کن.)

۷۱- إِنَّ التَّفَاخَرَ بِالتَّنَسُّبِ قَبِيحٌ. اسم: / خبر: ۷۳- لَعَلَّ حَمِيدٌ يَنْجَحُ فِي الْمَسَابَقَةِ. اسم: / خبر:

۷۲- كَانَ إِرْضَاءُ النَّاسِ غَايَةً لَّا تَذُرُّكَ. اسم: / خبر: ۷۴- لَيْتَ فَاطِمَةَ مُجِدَّةً فِي آدَاءِ الْفَرَائِضِ. اسم: / خبر:

ک **عَيِّنِ نَوْعَ «لَا» فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:** (نوع «لا» را در عبارات‌های زیر مشخص کن.)

۷۵- دَاوُودُ مِنْكَ وَلَكِنَّكَ لَا تَشْعُرُ. ۷۷- لَا فَقَرٌ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ.

۷۶- هَلْ أَنْتَ مِنْ بُجُنُودٍ؟ لَا، أَنَا طَهْرَانِيٌّ. ۷۸- لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا.

ل **عَيِّنِ اسْمَ وَ خَبَرَ «لَا» النَّافِيَةِ لِلْجِنْسِ وَ اذْكُرْ اِعْرَابَ خَبَرِهِ:** (اسم و خبر «لا» ی نفی جنس را مشخص کن و اعراب خبر آن را نام ببر.)

۷۹- لَا شَيْءَ أَحَقُّ بِالسَّجْنِ مِنَ اللِّسَانِ. اسم: خبر:

۸۰- لَا عِبَادَةَ مِثْلَ التَّفَكُّرِ. اسم: خبر:

۸۱- هَذَا دِينُ اللَّهِ، لَا رَيْبَ فِيهِ. اسم: خبر:

۸۲- لَا كَثْرَ أَغْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ. اسم: خبر:

م اُكْتُبْ فِي الْفَرَائِغَاتِ مَا مَطْلَبُ مَنْكَ: (در جاهای خالی آنچه را که از تو خواسته شده بنویس.)

- ۸۳- «... إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (اسم الفاعل)
 ۸۴- لَا شَيْءَ أَحَقُّ بِالسَّخَنِ مِنَ اللَّسَانِ. (اسم التَّفْضِيل - الْجَازِ وَ الْمَجْرُور) /
 ۸۵- «لَا تَحْمَلُنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ» (نوع «لا» في «تَحْمَلُنَا» - اسم «لا» النافية للجنس) /
 ۸۶- تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ. (الفعل المجهول - المفعول) /

ن عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلْفَرَائِغَاتِ: (کلمه مناسب برای جاهای خالی را مشخص کن.)

- ۸۷- لَا أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ.
 لباس لباس لباس
 ۸۸- «قَالَ أَعْلَمُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»
 إِنَّ أَنْ أَنْ أَنْ
 ۸۹- إِنَّ مَفْسَدَةٌ.
 الْعَصَبُ الْعَصَبُ الْعَصَبُ
 ۹۰- لَيْتَ الطَّلَابَ فِي الْجَامِعَاتِ.
 مُجَدِّدٌ مُجَدِّدٌ مُجَدِّدٌ

س تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ: (کلمات زیر را ترجمه کن.)

- ۹۱- فَهَمَّتْ: الْمَقَهَمُ:
 ۹۲- الْإِجْلَاسُ: لَمْ أُجْلِسْ:
 ۹۳- الْقَاطِعُ: لَا تُقَطِّعُ:
 ۹۴- إِسْتَعْفَرْتُ: لَيْسْتَغْفِرُنَّ:
 ۹۱- سَوْفَ تَقْهَمُ:
 ۹۲- لَا تُجْلِسِي:
 ۹۳- لَيْتَهُ قَطَعَ:
 ۹۴- قَدْ إِسْتَعْفَرْتُ:

ع عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِمَا تَحْتَهُ خَطٌّ: (نقش کلماتی را که زیرش خط است را مشخص کن.)

- ۹۵- «قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» /
 ۹۶- أَذْرُسُ لِعَلَّنِي أَنْجَحُ فِي الدَّرْسِ. /
 ۹۷- كَانَ الْمُسْتَرِي مُتَرَدِّدٌ فِي شِرَاءِ الْبِضَاعَةِ. /
 ۹۸- النَّاسُ مِنْ جِهَةِ الْآبَاءِ أَكْفَاءُ. /

ف صَحِّحِ الْخَطَأَ فِي اسْمٍ وَ خَبِرِ «لَا» النَّافِيَةِ لِلْجِنْسِ: (اشتباه را در اسم و خبر لای نفی جنس درست کن.)

- ۹۹- لَا شَيْئاً أَفْضَلَ مِنْ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ كُلِّ صَبَاحٍ. ۱۰۱- لَا تَلْمِيزَ مُؤَدِّباً فِي الصَّفِّ الثَّانِي.
 ۱۰۰- لَا الْخَانِ فِي شَعْبِنَا بَيْنَ الشَّبَابِ. ۱۰۲- لَا مَاءَ فِي هَذَا النَّهْرِ.

مهارت درک و فهم

م اُكْتُبِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ حَسَبَ التَّوْضِيحَاتِ: (کلمه مناسب را بر اساس توضیحات بنویس.)

- ۱۰۳- قَسَمَ مِنَ الْجِسْمِ بَيْنَ الْجِلْدِ وَ الْعَظْمِ:
 ۱۰۴- تُرَابٌ مُخْتَلِطٌ بِالمَاءِ:
 ۱۰۵- ذَلِكَ هُوَ الْمَرَضُ:
 ۱۰۶- يُقَالُ لِفُلَانٍ يَمُرُّ مِنْهُ الْحَرَارَةُ وَ الْكِبْرَاءُ:

ق عَيِّنِ الصَّحِيحَ وَ الْخَطَأَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ: (درست و اشتباه را بر اساس حقیقت مشخص کن.)

- ۱۰۷- النَّاسُ أَحْيَاءُ وَ أَهْلُ الْعِلْمِ مَوْتَى:
 ۱۰۸- الْعَصَبُ خِيطٌ أبيضٌ فِي الْجِزْمِ يَجْرِي فِيهِ الدَّمُ:
 ۱۰۹- خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنَ الطِّينِ:
 ۱۱۰- الَّذِي يَجْلِسُ مَكَانَ شَخْصٍ آخَرَ هُوَ الْبَدَلُ:

ر **اِقْرَأِ الْأَبْيَاتَ التَّالِيَةَ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ:** (بیت های زیر را بخوان سپس به سؤالات پاسخ بده.)

«إِيَّهَا الْفَاخِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ هَلْ تَرَاهُمْ خَلِقُوا مِنْ فُضَّةٍ أَمْ حديدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ هَلْ سَوَى لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ وَ حَيَاءٍ وَ عَفَافٍ وَ أَدَبٍ

۱۱۱- بما يَفْتَخِرُ الْفَاخِرُ جَهْلًا؟

- (۱) الأَمّ و الأب (۲) النَّسَب (۳) المال و الثروة (۴) العقل الثابت

۱۱۲- عَيْنِ الْخَطَا:

- (۱) يكونُ النَّاسُ لِأَمٍّ وَ لِأَبٍ وَاحِدٍ. (۲) نحنُ قَدْ خُلِقْنَا مِنْ تُرَابٍ مُخْتَلِطٍ بِالماءِ. (۳) الْفَاخِرُ بِالنَّسَبِ مُتَجَاهِلٌ. (۴) الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ وَ حَيَاءٍ وَ عَفَافٍ وَ ادبٍ.

۱۱۳- عَيْنِ الْبَيْتِ الْقَرِيبِ لِمَفْهُومِ الْأَبْيَاتِ:

- (۱) مَنْ زَرَعَ الْعَدَوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ. (۲) لَا تَقُلْ أَصْلِي وَ فَصْلِي أَبَدًا / إِنَّمَا أَصْلُ الْفَتَى مَا قَدْ حَصَلَ (۳) مَنْ طَلَبَ الْعُلَى سَهَرَ اللَّيَالِي. (۴) عِنْدَ الشَّدَائِدِ يُعْرِفُ الْإِخْوَانُ.

۱۱۴- ما هو قصْدُ الشَّاعِرِ مِنَ الْبَيْتِ الثَّالِثِ؟

- (۱) قيمةُ الإنسان (۲) تحقيرُ الإنسان (۳) خلقُ الإنسان مِنَ الطَّيْنِ. (۴) خلقُ الإنسان مِنَ اللَّحْمِ وَ الْعَظْمِ وَ الْعَصَبِ.

ش **اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ:** (متن زیر را بخوان سپس به سؤالات پاسخ بده.)

«إِنَّ الصِّفَةَ الْأَسَاسِيَّةَ لِلْإِنْسَانِ لَيْسَتْ ثَرَوَتُهُ أَوْ نَسَبُهُ بَلْ قِيَمَةُ الْإِنْسَانِ بِعَقْلِهِ وَ حَيَاءِهِ وَ عَفَافِهِ وَ أَدَبِهِ وَ فِي الرُّوحِ الَّتِي تُسَيِّطِرُ عَلَى جَرِمِهِ الصَّغِيرِ. عَلَيْنَا أَنْ نَتَذَكَّرَ الْآيَةَ «خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا» لِمَنْ يَفْخَرُ جَهْلًا بِنَسَبِهِ. خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ طِينَةٍ وَ لَيْسَ إِلَّا لَحْمًا وَ عَظْمًا وَ عَصَبًا.»

۱۱۵- ما هي قيمةُ الإنسان؟ ۱۱۷- يَمَّ خُلِقَ الْإِنْسَانُ؟

۱۱۶- ماذا نتذكّر حَسَبَ النَّصِّ؟ ۱۱۸- ما هو أجزاء جسم الإنسان حَسَبَ النَّصِّ؟

مهارت مکالمه

ت **أَجِبْ عَنِ السُّؤَالَاتِ:** (به سؤالات پاسخ بده.)

- ۱۱۹- هَلْ تَعْرِفُ (تَعْرِيفِن) دَاءً؟ أَذْكَرُ (أَذْكَرِي) ۱۲۰- مِنْ أَيْنَ أَنْتَ (أَنْتِ)؟

پاسخ سؤالات امتحانی درس

- | | |
|----------------------------|-----------------------------------|
| ۱۱. ساختمان - استوار، محکم | ۱. همتایان |
| ۱۲. آبمیوه گیری | ۲. ارزش - انسان، شخص |
| ۱۳. رسانا - برق | ۳. بیماری |
| ۱۴. شک | ۴. گمان می کنی - پیکر |
| ۱۵. سزاوارتر - زندان | ۵. به هم پیچیده شد |
| ۱۶. رشته | ۶. جانشین |
| ۱۷. شتاب می ورزند | ۷. آهن - مس |
| ۱۸. مایه تباهی | ۸. گِل، سرشت |
| ۱۹. بسیار دستور دهنده | ۹. جَز - گوشت - استخوان - پی، عصب |
| ۲۰. نگه داشته شده | ۱۰. روز رستاخیز |